

واژه‌پژوهی و شناخت تحلیلی منابع نظری دانش تخریح

در اهل سنت

عباس محمودی^۱

شیرمحمد علی پور عبدلی^۲

چکیده

تخریح یعنی خارج کردن متن‌ها، موضوعات، محتواها و طرق متعدد حدیث از مصادر آن. این موضوع، ابتدا زیرمجموعه قواعد الحدیث یا درایة الحدیث بوده و اکنون، دانشی مستقل به حساب می‌آید. کاربرد تخریح، آسیب‌شناسی و اعتباریابی حدیث است. اهل سنت در روشمندسازی و به کارگیری این دانش فعالیت‌های فراوانی داشته‌اند که شناخت آن برای تولید دانش تخریح شیعی ضروری است. یکی از حوزه‌های تلاش اهل سنت در دانش تخریح، نگارش منابع نظری متعدّد است. بر این اساس، پژوهشی جامع جهت شناسایی منابع نظری این دانش ضروری است. هدف این پژوهش، تبیین معنای تخریح و معرفی تحلیلی مهم‌ترین کتاب‌های تألیف شده در مباحث نظری دانش تخریح است. فایده آن، علاوه بر تبیین جایگاه این دانش، ارائه سرخ‌های پژوهشی برای انجام تحقیقات شیعی است. بخش اول این مقاله به واژه‌پژوهی تخریح پرداخته است و در

۱. کارشناس ارشد علوم حدیث و پژوهشگر مرکز تخصصی علوم حدیث حوزه علمیه قم.

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه لرستان.

بخش دوم با بررسی متن و مقدمه کتاب‌ها، برای نخستین بار، معرفی جامع، تحلیلی و مقایسه‌ای از مهم‌ترین منابع نظری تخریح ارائه می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: کتاب‌های تخریح، قواعد و اصول تخریح، آسیب‌شناسی حدیث، اعتبارسنجی حدیث، علوم حدیث.

مقدمه

مهم‌ترین منبع دین اسلام در نزد اهل سنت پس از قرآن، کلمات و احادیث پیامبر ﷺ است. به دلیل اینکه در دوره نقل شفاهی، احادیث پیامبر و اقوال صحابه با سند در سینه‌ها حفظ و یا در کتاب‌ها ثبت می‌شد، دانشمندان اهل سنت نیازی به تخریح حدیث احساس نکردند؛ اما با گذشت زمان و طولانی شدن اسناد، برخی نویسندگان کتاب‌های تفسیر، فقه، سیره، اخلاق و... اسناد و مأخذ احادیث خود را ذکر نکردند. از طرف دیگر، احتجاج به آن احادیث، در گرو شناخت سند و منبع آن‌ها بود. از این رو، گروهی از حافظان و محدثان به مأخذیابی احادیث همت گماردند که این عمل را تخریح نامیدند.^۱

گرچه تخریح در ابتدا جزو درایة الحدیث یا قواعد الحدیث بوده، اما در حال حاضر، خود علمی مجزا و یکی از شاخه‌های مهم علوم حدیث محسوب می‌شود. کارایی تخریح، آسیب‌شناسی و اعتباریابی حدیث است که مجموع آن را می‌توان اعتبارسنجی نامید. مقصود از تخریح در این تحقیق، طریقی است که ما را به منابع، طرق و متن‌های مختلف یک حدیث و محتواهای مشابه آن برساند. شیعه هم در هندسه دانش‌های حدیثی خود به روشمندسازی این دانش احتیاج دارد. بر این اساس، کلان پروژه‌ای طراحی شده که یکی از موضوعات آن بررسی منابع (نظری و تطبیقی) دانش تخریح اهل سنت است و به دلیل این که تحقیق و پژوهشی مستقل در جهت معرفی منابع این دانش وجود ندارد، انجام این پژوهش ضرورت می‌یابد. هدف از این نگاشته، تبیین معنای تخریح و شناسایی تحلیلی کتاب‌های نظری دانش تخریح است. فایده این مقاله، آشنایی با منابع تخریح، روشن شدن اهمیت و جایگاه علم تخریح و ایجاد انگیزه در پژوهشگران عرصه حدیث برای تلاش بیشتر در این حوزه است.

۱. ر.ک: حصول التفریح باصول التخریح، ص ۲۶.

محدثان و علمای اهل سنت، کتاب‌های فراوانی^۱ در دانش تخریح تألیف کرده‌اند که به دو دسته تقسیم می‌شوند. برخی کتاب‌ها، قواعد، اصول، اقسام، روش و به طور کلی مباحث نظری این علم را بحث کرده و برخی دیگر به تخریح احادیث پرداخته‌اند. این نوشتار، به معرفی کتاب-های نظری می‌پردازد. اثری مستقل، که به شناسایی منابع این دانش پرداخته باشد، یافت نشد. این تحقیق، در جهت معرفی تحلیلی و سبک‌شناسی منابع نظری علم تخریح حدیث، در دو بخش تنظیم شده است: الف) واژه‌پژوهی تخریح؛ ب) معرفی تحلیلی منابع نظری دانش تخریح.

الف. واژه پژوهی تخریح

اولین قدم در شناخت هر دانش، آشنایی با واژه‌ها و اصطلاحات به کار رفته در آن علم است. در واژه‌پژوهی تخریح، سه مبحث مفهوم‌شناسی، واژگان مترادف و واژگان مرتبط مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱. مفهوم‌شناسی

مقصود از مفهوم‌شناسی در این مقاله، آشنایی با مفهوم مهم‌ترین واژه این تحقیق یعنی لفظ تخریح از نظر لغت، اصطلاح محدثان، فقیهان و اصولیان است.

۱.۱ تخریح در لغت

تخریح در لغت، از باب تفعیل و از ریشه (خَ رَجَ -) است. این ریشه در دو اصل معنایی به کار رفته است. اول، خارج کردن و آشکار شدن که ضد معنای دخول است.^۲ دوم، اجتماع دو رنگ مختلف در یک شیء.^۳ لسان العرب می‌گوید: «تَخْرِيجُ الرَّاعِيَةِ الْمَرْتَعِ، یعنی آن تَأْكُلُ بَعْضَهُ و تَتْرَكَ بَعْضَهُ»^۴ مفردات می‌نویسد: «خَرَجَ، يَخْرُجُ، خُرُوجاً» یعنی از جایش یا حالش بیرون آمد و ظاهر شد؛ چه بیرون آمدن از خانه‌ای یا شهری یا لباسی باشد و چه خارج شدن از حالت نفسانی باشد؛ اما «اِخْرَاجُ، مصدر باب افعال» بیشتر در اجسام به کار می‌رود مانند آیات

۱. تاکنون بیش از ۴۰ کتاب در تخریح تطبیقی و بیش از ۳۰ کتاب در مباحث نظری دانش تخریح نگاشته شده است.

۲. رك: معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۱۷۵؛ العین، ج ۴، ص ۱۵۸؛ لسان العرب، ج ۲، ص ۲۵۲.

۳. رك: معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۱۷۵.

۴. لسان العرب، ج ۲، ص ۲۵۲.

﴿أَنْتُمْ مُخْرَجُونَ﴾^۱ و ﴿كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ﴾^۲ و «تَخْرِيج»، بیشتر در علوم و صناعات گفته شده و «خَرْج و خَرَج»، برای چیزهایی است که از زمین و آشیانه حیوانات و مانند آن‌ها بدست می‌آید؛ و «خَرَج»، دو رنگ مخلوط سیاه و سپید است. ظَلِيمٌ أَخْرَجُ و نَعَامَةٌ خَرَجَاءُ، یعنی شتر مرغ نرینه و مادینه سیاه و سپید و «أَرْضٌ مُخْتَرِجَةٌ»، یعنی زمینی که به خاطر جا به جا گیاه داشتن و نداشتن، دو رنگ است یعنی سبز و خاکی بنظر می‌آید.^۳

در نتیجه، باید گفت گرچه (خَرَج) دو اصل معنایی دارد، اما در علم حدیث مقصود از معنای لغوی تخريج، همان معنای اول یعنی خارج کردن و آشکار شدن است.

۲.۱ در اصطلاح محدثان

از نظر محدثان اهل سنت، تخريج در چهار معنا به کار می‌رود.

۱. مترادف با «اخراج» به معنای اِبراز و آشکار نمودن حدیث با ذکر روایانی که روایت از طریق آن‌ها به ناقل رسیده است؛ بنابراین، «هذا حدیث اخرجه یا خَرَجَه البخاری»، یعنی بخاری آن را با سندی مستقل روایت کرده است.^۴ این صلاح، تخريج را به این معنا به کار برده است.^۵
۲. مترادف با کتاب مستخرج.^۶ مستخرج، نوعی نگاشته‌ی حدیثی است که نویسنده در آن روایات یکی از کتاب‌های حدیثی را به غیر از اسناد صاحب کتاب، بلکه با سندی که از شیوخ و اساتید خود در دست دارد نقل می‌کند.^۷ تخريج به این معنا، در کلام برخی از محدثان از جمله ابن صلاح به کار رفته است.^۸
۳. به معنای بیرون آوردن احادیث از لابه‌لای کتاب‌های حدیثی و روایت نمودن آن‌ها با سند.^۹ چنان‌که سخاوی درباره این معنا از تخريج می‌گوید:

۱. مومنون، ۳۷.

۲. انفال، ۵.

۳. مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۷۸.

۴. ر.ک: اصول تخريج الحديث و دراسة الاسانيد، ص ۹-۱۰.

۵. ر.ک: المفصل فی اصول التخریج و دراسة الاسانيد، ص ۷؛ اصول التخریج و دراسة الاسانيد، ص ۹؛ معرفة علوم الحديث، ص ۱۲۸.

۶. اصول تخريج الحديث و دراسة الاسانيد، ص ۱۰.

۷. تدریب الراوی، ج ۱، ص ۱۱۲.

۸. ر.ک: المفصل فی اصول التخریج و دراسة الاسانيد، ص ۷.

۹. ر.ک: اصول تخريج الحديث و دراسة الاسانيد، ص ۱۰.

«تخریج عبارت است از این که محدّث، احادیث یک نوع از نگاشته‌های حدیثی از قبیل اجزاء، مشیخه‌ها و غیره را خارج کند و آن‌ها را با سند خود یا یکی از شیوخ حدیثی و یا اقران خویش و همانند آن‌ها نقل نماید؛ و ضمن مشخص کردن مرتبه آن‌ها (صحیح، حسن، ضعیف)، به صاحبان کتاب‌ها نیز ارجاع و نسبت دهد.»^۱

این معنا با معنای قبل دو تفاوت دارد؛ اول، در آن معنا، روایات مسند یک کتاب حدیثی با سندی غیر از سند مؤلف آن کتاب آورده می‌شود، اما در اینجا ممکن است روایات مسند نباشند. دوم، در معنای قبل، مرتبه حدیث (صحیح، حسن، ضعیف) مشخص نمی‌شود اما در این تعریف، مرتبه حدیث مشخص می‌شود.

۴. دلالت و راهنمایی: یعنی مصادر اصلی حدیث مشخص شود و روایت به آن‌ها ارجاع و نسبت داده شود. محمود طحان از علمای معاصر اهل سنت می‌گوید:

«تخریج یعنی راهنمایی به موضع و مکان حدیث در مصادر اصلی که آن را با سندی مستقل نقل کرده‌اند؛ همچنین بیان جایگاه و رتبه حدیث در صورت نیاز»^۲

با تأمل در سخنان محدّثان و تألیف‌هایی که در زمینه تخریج داشته‌اند، روشن می‌شود که مراد آن‌ها از این معنا، صرف ارجاع و نسبت دادن نیست، بلکه منظور ارجاع و نسبتی است که همراه با تعیین مرتبه حدیث که خود منوط به بررسی حال راویان حدیث بوده، باشد.^۳

معنای شایع و مشهور بین محدّثان اهل سنت، همین معنای اخیر است و بیشتر آن‌ها مخصوصاً متأخران، لفظ تخریج را در این معنا استعمال کرده‌اند.

تعریف برگزیده تخریج از منظر نگارنده را می‌توان چنین ارائه کرد: تخریج حدیث، یعنی خارج کردن متن‌ها، موضوعات، محتواها، طرق متعدد و منابع مختلف یک حدیث از مصادر آن و دانش تخریج، قواعد و طرقی است که به وسیله آن، دست‌یابی به متن اصیل حدیث، شناخت

۱. ر.ک: فتح المغیث، ج ۲، ص ۳۸۲.

۲. ر.ک: اصول تخریج الحدیث و دراسة الاسانید، ص ۱۰.

۳. المفصل فی اصول التخریج و دراسة الاسانید، ص ۱۱.

طرق نقل حدیث، منابع حدیث، اسناد حدیث، متون و مضامین مشابه ممکن می‌شود.^۱

۱. ۳ در اصطلاح فقیهان و اصولیان

- واژه تخریج، نزد فقیهان و اصولیان کاربردهای متفاوتی دارد که در چهار دسته قابل جمع است.
۱. تخریج، رسیدن به اصول ائمه حدیث و قواعدی است که به کمک آن‌ها به احکام فقهی دست یافته‌اند. یعنی مخرّج با تتبع و استقراء در فروع فقهی، به قاعده و اصلی که مورد استناد آن امام حدیث بوده دست می‌یابد و آن اصل را به او نسبت می‌دهد.^۲
 ۲. برگرداندن اختلافات فقهی به قواعد اصولی به واسطه این تخریج، اسباب اختلاف فقها روشن می‌گردد. این نوع تخریج را تخریج فروع بر اصول می‌نامند.^۳
 ۳. به معنای استنباط مقید، یعنی بیان رای امام حدیث در مسایل جزئی که از او در آن مسئله نصی ایراد نشده است. این مطلب، با ملحق کردن آن مسئله به مشابیهات رسیده از او یا داخل کردن این مسئله در یکی از قواعد آن امام، به دست می‌آید. معنای غالبی تخریج نزد فقیهان همین است که در مباحث اجتهاد و تقلید بیشترین کاربرد دارد.^۴
 ۴. به معنای تعلیل یا توجیه آرای نقل شده از ائمه حدیث و بیان مأخذ آن‌ها در آن رای از طریق استنباط و استخراج علت و اضافه حکم به آن است. این قسم تخریج را، تخریج مناط گویند.^۵
- در نتیجه معنای تخریج، از منظر فقیهان و اصولیان با محدثان کاملاً متفاوت بوده و هیچ یک از معانی مورد نظرها آن‌ها با یکدیگر تطبیق ندارند.

۲. واژگان مترادف

شناخت لغات مشابه و مترادف هر واژه، کمک قابل توجهی در فهم بهتر هر واژه دارد.

۱. همه تعاریف ارایه شده در این پژوهش، از اهل سنت بوده و تاکنون در شیعه تعریف مستقلی از تخریج ارائه نشده است؛ اما نگارنده این سطور به کمک مستندات علمی و قراین متعدد، این تعریف نو و جامع از تخریج حدیث را ارایه داده است. برای مشاهده مبسوط این بحث، ر.ک: نشست علمی دانش تخریج؛ چیستی و چرایی (این نشست در تاریخ ۹۴/۶/۲۹ در مرکز تخصصی علوم حدیث حوزه علمیه قم، ارائه شده است).
۲. ر.ک: التخریج عند الفقهاء و الاصولیین، ص ۱۰ و ۱۱.
۳. همان.
۴. ر.ک: التخریج عند الفقهاء و الاصولیین، ص ۱۰ و ۱۱.
۵. ر.ک: همان.

۱.۲ مُسْتَخْرَج

استخراج؛ مصدر باب استفعال به معنای خارج کردن و بیرون آوردن چیزی است (الرسالة المستطرفة، ص ۳۱)؛ و مُسْتَخْرَج، اسم مفعول، به معنای بیرون آورده شده است. مُسْتَخْرَج، کتابی است که مؤلف آن، احادیث کتابی را با سندی غیر از سند صاحب کتاب، بلکه با سندی که خود از طریق استادان خویش در اختیار دارد نقل کند؛^۱ مانند کتاب ابونعیم اصفهانی (۴۳۰ ه. ق) نسبت به صحیح بخاری. استخراج حدیث، فوائد فراوانی دارد که علو و برتری سند، کامل شدن متن احادیث و تقویت حدیث، از جمله آنهاست.^۲

۲.۲ مَخْرَج

یعنی موضع و محل خروج يك شيء، به همین دلیل در تعریف حدیث حسن گفته‌اند: «ما عرف مخرجه» یعنی رجال سند آن شناخته شده است. بنابراین، وقتی گفته می‌شود «اخرجه مسلم في صحيحه» یعنی اینکه مسلم آن حدیث را با بیان رجال سندش، (کسانی که حدیث را به واسطه آن‌ها نقل کرده) برای دیگران بیان می‌کند.^۳ به همین دلیل، هنگام احاله حدیث به کسی که حدیثی را بدون سند در کتابش آورده باشد و یا به کسی که آن را اخراج کرده نسبت دهد، اخرجه گفته نمی‌شود. مثلاً اگر زیلعی حدیثی را در نصب الرایه بیاورد، هنگام نقل آن، دَکَرَه زیلعی، آورده و یا عزاه لفلان گفته می‌شود و گفتن اخرجه زیلعی في نصب الرایه، اشتباه است (الواضح فی فن التخریج و دراسة الاسانید، ص ۲۷). چون زیلعی، حدیث را با سند خود تا پیامبر ﷺ بیان نکرده است، بلکه از کتاب‌های ماقبل نقل می‌کند.

۳.۲ إِخْرَاج

بیشتر محدثان، تخریج را با اخراج مترادف دانسته‌اند (علم الحدیث، ج ۱، ص ۲۱۶)؛ اما برخی، تفاوت‌هایی بین این دو اصطلاح ذکر کرده‌اند؛ همانند غماری که معتقد است اخراج حدیث به معنای نقل حدیث با سند آن، از صاحب کتاب حدیثی تا پیامبر ﷺ یا صحابی است، ولی تخریج حدیث به معنای ارجاع و برگرداندن روایاتی است که در کتاب‌های مختلف به صورت معلق و فاقد سند دیده می‌شود.^۴

۱. ر.ک: الرسالة المستطرفة، ص ۳۱.

۲. ر.ک: حصول التفریج باصول التخریج، ص ۱۸.

۳. ر.ک: اصول التخریج و دراسة الاسانید، ص ۹.

۴. ر.ک: حصول التفریج باصول التخریج، ص ۱۳-۱۴.

۳. واژگان مرتبط

آشنایی با واژه‌ها و اصطلاحات مرتبط هر کلمه، در شناخت بهتر آن مؤثر است. در دانش تخریب اصطلاحات متعددی به کار رفته که مهم‌ترین آن‌ها معرفی می‌شود.

۱.۳ مراتب تخریب

مقصود از آن همان انواع تخریب است که برخی، از آن به مراتب تخریب یاد کرده‌اند مانند کتاب التخریب و دراسة الاسانید که آن را به تخریب مطول، مختصر و متوسط تقسیم کرده است.^۱

۲.۳ طرق تخریب

راه‌هایی است که به کمک آن شناخت مکان حدیث ممکن می‌شود. این طرق شامل سند، متن، برنامه‌های کامپیوتری و مطالعه کامل کتاب است.^۲ برخی، از طرق تخریب، به طرق استخراج حدیث هم تعبیر کرده‌اند.

۳.۳ اصول تخریب

غالب مؤلفان، اصول و طرق تخریب را به یک معنا گرفته‌اند.^۳

۴.۳ قواعد تخریب

به قوانین و مقرراتی گفته می‌شود که برای تخریب صحیح حدیث باید آن‌ها را مراعات کرد.

۵.۳ کتاب‌های تخریب

مقصود از آن هر کتابی است که در دانش تخریب نوشته شده است. اعم از آن که در مباحث تطبیقی تخریب باشد یا در مباحث نظری دانش تخریب.

ب. معرفی منابع نظری دانش تخریب

کتاب‌های تطبیقی، به تخریب عملی حدیث برای رسیدن به سند، منبع اصلی، متن‌ها و محتواهای مشابه پرداخته‌اند، اما منابع نظری این دانش، به بیان قواعد، اصول، روش‌های

۱. ر.ک: التخریب و دراسة الاسانید، ص ۱۱.

۲. ر.ک: همان.

۳. ر.ک: علم تخریب الحدیث و بیان کتابها السنّة المشرفة، مقدمه کتاب. به نظر نگارنده این سطور، محمود طحان و عماد علی جمعه هم همین نظر را داشته‌اند؛ زیرا نام کتاب‌های خود را اصول التخریب و دراسة الاسانید و اصول التخریب و دراسة الاسانید المیسره گذاشته‌اند ولی در آنها از طرق تخریب بحث کرده‌اند.

تخریج و معرفی برخی کتاب‌های آن می‌پردازند. یعنی مطالب کتاب‌های نظری این دانش مترتب بر کارهای عملی انجام شده در کتاب‌های تخریج است.

گرچه کتاب‌هایی که علمای اهل سنت در مباحث نظری دانش تخریج تألیف کرده‌اند، فراوان است، اما به دلیل هم‌پوشانی غالب مطالب این کتاب‌ها با هم، برای جلوگیری از تکرار، تعدادی از آن‌ها که مؤلفانشان شخصیت علمی برجسته و شناخته شده‌ای داشته، یا مطالبی متفاوت و یا نوآوری فراوانی داشته‌اند معرفی می‌شوند. ترتیب؛ بر اساس سال انتشار آثار است.

۱. اصول التخریج و دراسة الاسانید

این کتاب، نوشته محمود طحان^۱ است که تاکنون توسط دو انتشارات دارالقرآن الکریم بیروت در ۲۵۱ صفحه و مکتبة المعارف للنشر و التوزیع ریاض در ۲۲۰ صفحه به چاپ رسیده است. مؤلف، ادعا دارد در کتابش، قواعد و طرق تخریج حدیث که از طریق استقرا و ممارست به دست آورده، بیان کرده است. سپس در خلال آن بسیاری از مصادر حدیثی را به صورت اجمال معرفی می‌کند. او انگیزه تألیف را، احساس نیاز شدید و ترس از بین رفتن دانش تخریج دانسته است. طحان می‌گوید:

تا کنون احدی را ندیده‌ام که به تصنیف در «اصول التخریج» پرداخته باشد.^۲

این کتاب، در یک مقدمه و دو بخش کلی که هر بخش را یک باب نامیده، تنظیم شده است. در مقدمه، پس از تعریف تخریج، اهمیت، فایده و تاریخچه مختصری از تخریج، به معرفی چهار کتاب مشهور تخریج می‌پردازد.

باب اول این کتاب، به طرق تخریج اختصاص یافته که در پنج فصل تنظیم و در هر فصل پس از بیان یکی از روش‌های تخریج، تعدادی از کتاب‌هایی که در آن روش قابل استفاده است نام می‌برد. این باب حدود یک سوم از حجم کتاب را در بر گرفته است.

باب دوم کتاب، به دراسة الاسانید و حکم بر حدیث می‌پردازد که در سه فصل تنظیم شده است. الف. بیان مطالبی از جرح و تعدیل که در دراسة الاسانید به آن احتیاج است؛ ب. انواع کتاب‌هایی که در علم رجال تألیف شده. ج. مراحل دراسة الاسانید.

۱. در سال ۱۹۳۵م در حلب متولد شد. از شاگردان محمد محمد ابوزهو بوده و از او بیش از ۱۰ اثر در علوم حدیث

منتشر شده است. <http://shamela.ws>

۲. ر.ک: اصول التخریج و دراسة الاسانید، ص ۵.

در نتیجه می‌توان این کتاب را جزو کتاب‌های طرق تخریح قرار داد. از جمله فوائد این کتاب در دانش تخریح شناخت کتاب‌هایی است که در هر يك از طرق تخریح کاربرد دارد. همچنین در مباحث جرح و تعدیل و دراسة‌الاسانید که نتیجه تخریح حدیث است، اطلاعات خوبی به مخاطب می‌دهد.

۲. التاصیل لاصول التخریح و قواعد الجرح والتعدیل

این کتاب توسط بکرین عبدالله ابوزید^۱ تألیف و توسط انتشارات دار العاصمه در سال (۱۴۱۳ هـ. ق) در ۲۵۲ صفحه به چاپ رسیده است. مؤلف کتاب می‌نویسد:

«از آنجا که اصول تخریح به قواعد جرح و تعدیل مرتبط است و ارتباط آن مانند روح به بدن است و بین آن دو تداخل و تلازم است، اقتضا می‌کند در يك جا آورده شود؛ زیرا تعادل و تراجیح، عمده بحث از راوی است. در این کتاب هر دو مبحث آورده می‌شود که مباحث در يك مقدمه و دو کتاب تنظیم شده است» (التاصیل لاصول التخریح و قواعد الجرح والتعدیل، ص ۱۶).

در مقدمات فی اصول التخریح، به تعریف تخریح، حقیقت اصول تخریح و آوردن شواهدی از قرآن برای مشروعیت دانش تخریح می‌پردازد. کتاب اول: عنوان آن التخریح است، دو باب دارد که باب اول مشتمل بر شش مبحث است و در آن به تعریف تخریح، مشترك لفظی بودن تخریح، اثبات با قرآن و روایات، قواعد تخریح، مباحث تخریح در کتاب‌های مصطلح الحدیث و در مبحث آخر به معرفی کتاب‌های تخریح و اصول تخریح می‌پردازد. باب دوم این کتاب به طرق عمل در تخریح اختصاص دارد که شامل طرق التألیف فی التخریح، طرق استخراج الحدیث، طرق تخریح و طریق تطبیق عملی تخریح پرداخته است.

حدود يك سوم مطالب کتاب به دو مبحث اخیر اختصاص دارد. مؤلف کتاب می‌گوید: «طرق تخریح، همان وظائف تخریح است و بر اساس وظائف، طرق تعریف شده است.» پس، طریق

۱. در سال ۱۳۶۵ هـ. ق در شر دوادمی متولد و در سال ۱۴۲۹ هـ. ق در ریاض وفات یافت. در فقه، لغت و حدیث آثار متعددی دارد که ۶۶ اثر از او چاپ شده است. ر.ک: ویکی پدیا، الموسوعة الحرة.

اول يك وظیفه دارد، طریق دوم دو وظیفه و... آنگاه طرق را بر این اساس شمارش می‌کند.
طریق اول: وظیفه آن فقط جمع متون است، مانند کتاب الشهاب ابی عبدالله محمدبن-
سلامة القضاي (۴۵۴ ه.ق).

طریق دوم: در این طریق علاوه بر وظیفه اول، برای تخریج، وظیفه دیگری هم بیان می‌کند
و آن ذکر صحابی است مانند فردوس الاخیار دیلمی (۵۰۹ ه.ق).
طریق سوم: علاوه بر دو وظیفه سابق، برگرداندن حدیث به کسی که آن را اخراج کرده، بیان
می‌شود مانند جامع الاصول ابن اثیر.

طریق چهارم: علاوه بر سه وظیفه قبلی، به بیان مرتبه حدیث می‌پردازد مانند ریاض
الصالحین نوی. **طریق پنجم:** علاوه بر وظایف قبلی حکم بر صحت و ضعف حدیث هم می‌کند.
مؤلف می‌گوید:

«کتاب‌های قسم پنجم به نام کتاب‌های تخریج نامیده شده که خود بردو قسم است. ۱.
کتاب‌هایی که در تخریج احادیثی است که در کلام برخی مصنفان آمده مانند نصب
الرایه زبلی ۲. کتاب‌های که در تخریج ابتدایی است نه در تخریج احادیث کتابی معین
مانند سلسله الضعیفه البانی»

پس، در تقسیم‌بندی‌ها می‌توان این کتاب را جزو کتاب‌های طرق تخریج شمرد. نوآوری این
کتاب بیشتر در مباحثی است که در طرق تخریج آمده است. کتاب حاضر، در اثبات حجیت تخریج
از قرآن و روایات، مطالب مفیدی دارد. همچنین در شناخت طرق تخریج، اطلاعات خوبی به
مخاطب می‌دهد.

۳. التخریج عند الفقهاء و الاصولیین

این کتاب در (۱۴۱۴ ه.ق) توسط مکتبه الرشد ریاض به چاپ رسیده است. یعقوب بن عبد
الوهاب الباء حسین^۱ مؤلف کتاب می‌نویسد: «این کتاب را در يك مقدمه، دو باب و خاتمه تنظیم
کردم.» باب اول این کتاب در انواع تخریج بوده که مشتمل بر سه فصل تخریج اصول از فروع،

۱. در سال ۱۹۲۸ م (۱۳۴۹ ه.ق) در شهر الزبیر متولد شد. تاکنون ده کتاب در زمینه‌ی فقه، اصول و حدیث از این مؤلف
به چاپ رسیده است. ر.ک: www.ahlalhdeeth.com

تخریج فروع بر اصول و تخریج فروع بر فروع است. باب دوم نیز در سه فصلِ مراتب مخرجین بین طبقات فقها، شروط و صفات علمای تخریج و انواع احکام مُخَرَّج و صفات آن تنظیم شده است. در مقدمه کتاب پس از تعریف لغوی تخریج، به تعریف آن در نزد محدثان، فقیهان و اصولیان می‌پردازد. مؤلف، علت انتخاب عنوان تخریج اصول از فروع را این‌گونه بیان کرده است:

«از آنجا که یکی از انواع تخریج، رسیدن به اصول و قواعد ائمه حدیث است و این قواعد از خلال تتبع و استقرا در فروع فقهیه روایت شده از آن‌ها به دست می‌آید، آن را تخریج اصول از فروع نام‌گذاری کردم.»^۱

در توضیح فصل دوم باب اول یعنی تخریج فروع بر اصول می‌گوید:

«گرچه تاکنون این اسم بر علم مستقلی حمل نشده و فقط برخی از مباحث آن در باب اجتهاد اصول فقه مطرح شده است، ولی با دقت در مقدمه کتاب‌های تألیف شده در این علم روشن می‌شود که اکثر مؤلفان، هدف خود از تألیف این کتاب‌ها، برگرداندن اختلافات فقهی به اصول کلی دانسته‌اند و در حقیقت تخریج فروع به اصول، بیان اسباب و عللی است که سبب حکم کردن و فتوای علما به يك مطلب شده است.»^۲

در توضیح فصل سوم از باب اول (تخریج فروع بر فروع) می‌گوید:

«از آنجا که فتاوی فقیهان هر عصر، مربوط به مسایل جاری همان زمان است، در عصرهای بعدی که مسایل جدیدی پیش می‌آید نمی‌توان جواب آن‌ها را در فتواهای فقیهان قبیل یافت، لذا باید از اقوال، افعال و تقریرات آن‌ها احکام جدید را استنباط کرد یعنی از يك مسئله جزئی حکم جزئی دیگری را استخراج کرد.^۳ تخریج به این معنا همان قیاس است که یا علت حکم جدید با حکم قبلی یکی است که آن را منصوص-العله گویند و یا علت آن‌ها یکی نیست که آن را مع‌الفرق گویند.»^۴

۱. ر.ک: التخریج عند الفقهاء و الاصولیین، ص ۱۹.

۲. ر.ک: همان، ص ۴۷.

۳. به نظر نگارنده، از این مطلب می‌توان به دو فرق در دانش تخریج شیعی با اهل سنت پی برد اول این که اهل سنت عمل و تقریر علمای خود را حجت می‌دانند و ثانیاً از يك حکم فرعی حکم دیگری را استخراج می‌کنند؛ در حالی که شیعه فقط از اصول (آیات و روایات) احکام جزئی را استخراج می‌کند و نه از فتوای علمای دیگر و شاید این به دلیل محرومیت آنها از روایات اهل بیت علیهم‌السلام باشد؛ و دلیل پویایی فقه شیعه همین است که در هر عصر و زمانی هر مجتهد خودش باید از اصول به فروع فقهیه دست یابد نه این که قیاس کند و یا از مجتهدی دیگر تقلید کند.

۴. ر.ک: التخریج عند الفقهاء و الاصولیین، ص ۱۸۳.

مؤلف، علت این که باب دوم (مراتب مخرجین، شروط علمای تخریج و احکام و صفات تخریج) را جزء این کتاب آورده، ارتباط بین مطالب می‌داند و می‌گوید: «باب دوم در حقیقت به منزله صله برای باب اول است.»

در نتیجه، اطلاعات این کتاب در تعریف تخریج نزد فقیهان و اصولیان کامل است. یکی از فوائد این کتاب، شناخت انواع تخریج (تخریج اصول از فروع، تخریج فروع بر اصول و تخریج فروع بر فروع) و احکام آن است که به این گونه در کتاب‌های دیگر کمتر مورد بحث قرار گرفته است.

۴. حصول التفریح بأصول التخریج أو کیف تصیر محدثاً

حصول التفریح بأصول التخریج أو کیف تصیر محدثاً، کتابی است بسیار مختصر در دانش تخریج که توسط احمد بن محمد بن الصدیق الغماری^۱ تألیف و برای اولین بار توسط مکتبه طبریة طبریة در سال (۱۴۱۴ ه.ق) در ریاض به چاپ رسیده است. مؤلف، پس از بیان مقدمه‌ای که در آن علت نگارش کتاب خود و انتخاب این نام برای آن را بیان کرده، به تعریف تخریج، اخراج واستخراج پرداخته و برخی از فوائد تخریج را بیان می‌کند. پس از آن تاریخچه تخریج حدیث را بیان کرده و مهم‌ترین کتاب‌های تخریج به ترتیب زمان تألیف از قرن سوم تا چهاردهم را نام می‌برد. در بخش دوم که عنوان فصل بر آن گذاشته، کتاب‌های دیگری که فوایدی علاوه بر تخریج بر آن مترتب است نام برده و مؤلفان آن‌ها را به دو دسته تقسیم کرده است. الف. کتاب‌هایی که در آن احادیث مسند ذکر شده، که خود بر دو نوع است. ۱. کتاب‌هایی که تخریج آن با اسانید مخرج است، که به ترتیب از قرن سوم تا چهاردهم نام برده است. ۲. کتاب‌هایی که احادیث را به اصول برگردانده‌اند، اما بدون ذکر اسناد مخرج ب. کتاب‌هایی که اسناد در آن ذکر نشده اما احادیث در آن به انگیزه تخریج برگردانده شده‌اند. عنوان بعدی این کتاب، کیفیت التخریج و شروط و ما یلزم له است. در این بخش هم کتاب‌هایی که در هر قسم از تخریج کاربرد دارد، نام می‌برد.

در نتیجه، حدود ۹۰ درصد مطالب این کتاب به شناسایی کتاب‌های تخریج اختصاص دارد.

۱. در سال ۱۳۲۰ ه.ق در مغرب متولد و در سال ۱۳۸۰ ه.ق وفات یافت. او را هم‌ردیف ابن حجر و سخاوی شمرده‌اند.
<http://ar.wikipedia.org>

بنابراین، این اثر، از بهترین کتاب‌ها در شناسایی اجمالی کتاب‌های تخریح است و به دلیل اختصار، برای افراد مبتدی در این فن سودمند است.

۵. إرشاد الادیب الی طرق تخریح الحدیث

این کتاب اولین بار در سال (۱۴۱۶ ه. ق) توسط موسسه‌ی الریان بیروت به چاپ رسیده است. محمد ابراهیم داود الموصلی، انگیزه‌ی نگارش کتاب خود را، درخواست جمعی از دوستانش بیان کرده است. او می‌نویسد: «این کتاب در کیفیت تخریح حدیث است و در آن به الفاظ جرح و تعدیل هم پرداخته شده است.» الارشاد الادیب، چنان که مؤلف آن اشاره کرده، بسیار خلاصه است، به گونه‌ای که تمام مطالب در ۳۲ صفحه تنظیم شده است.

در این کتاب، بخش‌بندی یا فصل‌بندی خاصی صورت نگرفته است. پس از بیان معنای لغوی و اصطلاحی تخریح و نام بردن از چند کتاب مهم تخریح، وارد بحث اصلی شده و طرق تخریح را به طور مفصل توضیح داده است. او در هر یک از طرق تخریح، کتاب‌های مربوط به آن روش را نام می‌برد. حدود دو سوم حجم کتاب به مبحث طرق تخریح اختصاص یافته است. پس از آن، به بیان مراتب الفاظ جرح و تعدیل پرداخته و در پایان کتاب در دو جدول جداگانه الفاظ جرح و تعدیل را از مرتبه‌ی بالا به پایین ترسیم کرده است.

در جمع‌بندی باید گفت، مؤلف کتاب، به گونه‌ای بسیار شایسته توانسته است به ادعای خود در مقدمه‌ی کتاب، مبنی بر بیان طرق تخریح و الفاظ جرح و تعدیل دست یابد. این کتاب را باید جزو کتاب‌های طرق تخریح شمرد. إرشاد الادیب، به دلیل خلاصه‌گویی و روانی متن، برای مبتدئین دانش تخریح، بسیار سودمند است و با مطالعه‌ی این کتاب می‌توان به معنای تخریح و طرق آن به خوبی آگاهی یافت.

۶. تبسیط علم التخریح

تبسیط علم التخریح، کتابی است مختصر در دانش تخریح که توسط مصطفی ابو سلیمان الندوی^۱ تألیف شده است. این کتاب در سال ۱۴۱۸ ه. ق توسط موسسه‌ی دارالکلمه للنشر و التوزیع

۱. در سال ۱۳۰۲ ه. ق در هند متولد و در سال ۱۳۷۳ ه. ق در کراچی پاکستان وفات یافت. آثار علمی فراوانی در حدیث، لغت، سیره و مقالات متعددی درباره شجاعت بانوان مسلمان دارد. ر.ک: مجله الوعی الإسلامي، ش ۱۸۴، ربیع الثاني ۱۴۰۰ ه. ق.

مصر، به چاپ رسیده است. دارای باب‌بندی و فصل‌بندی خاصی نیست. فقط پس از بیان يك مقدمه، به بیان تعریف و تاریخ‌تطور این علم، به گونه‌ی اجمال می‌پردازد. بعد از آن، طرق تخریج حدیث را بیان کرده و پس از آن، به طور تفصیل به معرفی دو کتاب تخریجی الوجیز غزالی و شرح الکبیر ابن حجر و مؤلفان آن‌ها پرداخته است.

بنابراین، کتاب تبسیط علم التخریج را باید جزو کتاب‌های طرق تخریج محسوب کرد. به نظر می‌رسد، این کتاب در فهم دانش تخریج کارآیی مستقیم نداشته باشد، زیرا علاوه بر اختصار، بیشتر حجم آن به معرفی شخصیت و آثار غزالی و ابن حجر اختصاص یافته است ولی با این حال چون مباحث آن از دیگر کتاب‌ها متمایز بود، به شکل مختصر معرفی گردید.

۷. التخریج و دراسة الاسانید

این کتاب تقریرات درس حاتم بن عارف الشریف^۱ بوده که در سال (۱۴۱۹ ه. ق) در مکه‌ی مکرمه ارائه و توسط انتشارات اهل الحدیث به چاپ رسیده است. کتاب، در دو بخش تنظیم شده است. در بخش اول، ابتدا علم تخریج را از علوم مهم شمرده و سه دانش أصول الحدیث (مصطلح الحدیث)، علم الجرح والتعدیل^۲ و علم مصادر السنة را از مقدمات دانش تخریج می‌داند. او می‌گوید: «این علوم کامل نمی‌شود مگر به ممارست به تخریج حدیث. پس بین تخریج و این علوم ملازمت قوی است.» پس از آن به تعریف تخریج می‌پردازد که به گونه‌ی بسیار جامع و کامل بیان کرده است؛ و در مرحله‌ی بعد، فوائد علم تخریج را بیان می‌کند. او می‌گوید: «فوائد این علم بسیار است» اما فقط از پنج فایده نام می‌برد که به نظر ایشان فوائد اصلی تخریج است. عارف الشریف، مهم‌ترین فایده‌ی تخریج را تمییز سنت صحیح از سقیم دانسته است. او با آوردن عباراتی از علی بن المدینی «الباب إذا لم تجمع طرقه لم یتبین خطأ»، یحیی بن معین «الحدیث إذا لم نروه من ثلاثین وجهاً ما عقلناه»، ابو حاتم «الحدیث إذا لم یروی من ستین وجهاً ما عقلناه» و احمد حنبل «الأحادیث یفسر بعضها بعضاً» کلام خود را به اثبات می‌رساند.

عنوان بعدی، بیان تفاوت مراتب تخریج نام گرفته که مؤلف در آن، سه مرتبه‌ی مطول، متوسط و مختصر را برای تخریج قائل شده است. پس از آن، چهار طریق؛ نظر در اسناد، نظر در

۱. در سال ۱۳۸۵ ه. ق. در طائف متولد شد. بیش از ۴۰ اثر در زمینه حدیث و علوم اسلامی تألیف کرده است. ر.ک: ویکی‌پدیا، الموسوعة الحرة.

۲. مؤلف، علم جرح و تعدیل را داخل در مصطلح الحدیث دانسته و می‌گوید به دلیل اهمیت آن جدا گانه آورده می‌شود.

متن، برنامه‌های کامپیوتری و عرضه‌ی بر کتاب‌های حدیثی را، برای استخراج حدیث بیان و در هر روش، راه‌های فرعی آن روش و تعدادی از کتاب‌هایی که در آن شیوه کاربرد دارد را معرفی می‌کند.

بخش دوم کتاب، دراسة الاسانید نام گرفته است. ایشان سه مرحله برای دراسة الاسانید بیان می‌کند که مهم‌ترین مرحله‌ی آن را ترجمه‌ی راویان می‌داند. در این قسمت راه‌های شناخت راوی مبهم، حکم راوی مختلط، مسئله‌ی روایت از اهل بدعت، مراحل جرح و تعدیل و مسئله‌ی تعرض جرح و تعدیل را آورده است.

در جمع‌بندی باید این کتاب را جزو کتاب‌های طرق تخریج دانست. شاید کامل‌ترین کتاب در ارائه‌ی تعریف تخریج، همین کتاب باشد. مطالب کتاب در دو بخش مساوی به طور بسیار منظم و مرتب بیان شده است. این کتاب، در شناخت مقدمات دانش تخریج، انواع کتاب‌های حدیثی و معجم‌ها کاربرد فراوانی دارد.

۸. الواضح فی فن التخریج و دراسة الأسانید

این کتاب، توسط عده‌ای از استادان حدیث از جمله سلطان سند العکایلة، محمد عید صاحب، عمر سلیمان مکحل و السید محمد ابوصعیلیک به رشته‌ی تألیف درآمده که توسط جمعیه الحدیث الشریف و احیاء التراث عمان در سال (۱۴۲۵ هـ. ق) به چاپ رسیده است. کتاب حاضر، در دو بخش التخریج و دراسة الاسانید تنظیم شده است. بخش اول کتاب در هفت فصل تنظیم شده؛ در فصل اول، مفهوم تخریج، اهمیت، فوائد و تاریخ تطور آن بیان شده است و در هر کدام از فصل‌های دیگر، یکی از طرق تخریج را به شکل مفصل بحث کرده است. در بخش دوم کتاب به دراسة الاسانید و قواعد حکم بر حدیث پرداخته است.

به دلیل شباهت نزدیک این کتاب به کتاب اصول التخریج و دراسة الاسانید محمود طحان دارد، به طور تفصیل معرفی نمی‌شود. این کتاب، جزو کتاب‌های طرق تخریج محسوب می‌شود.

۹. اصول التخریج و دراسة الاسانید المیسره

اصول التخریج و دراسة الاسانید المیسره، کتابی مختصر در دانش تخریج بوده که توسط

عماد علی جمعه،^۱ در ۴۹ صفحه به رشته‌ی تحریر درآمده است. این کتاب توسط انتشارات دارالنفائس در سال (۱۴۲۵ ه.ق) به چاپ رسیده است. مطالب این کتاب به شیوه‌ای بسیار زیبا در قالب جدول دسته‌بندی و تنظیم شده که به گفته‌ی مؤلف،^۲ این روش در یادگیری و به ذهن سپاری مطالب برای مبتدئین این دانش بسیار مؤثر است.

مؤلف پس از تعریف لغوی و اصطلاحی دانش تخریح برای هر کدام از رشته‌های علوم اسلامی يك یا چند کتاب تخریح نام برده است. پس از آن شش طریق را برای تخریح حدیث معرفی کرده و کتاب‌های که در هر طریق کاربرد دارد را نام می‌برد. در بخش دوم کتاب به مبحث مقدمات دراسة الاسانید و حکم بر حدیث، مراتب الفاظ جرح و تعدیل و حکم آن‌ها، معرفی مهم‌ترین کتاب‌های رجالی، مشهورترین کتاب‌ها در شناخت صحابه، کتاب‌های طبقات، تراجم و برخی کتاب‌های دیگر مرتبط به این موضوع می‌پردازد.

در نتیجه، این کتاب را باید در زمره‌ی کتاب‌های «طرق التخریح» قرار داد. این اثر، در معرفی و دسته‌بندی کتاب‌های علوم حدیث بسیار موفق عمل کرده است. بنابراین در کتاب‌شناسی علوم حدیث بسیار کاربرد دارد. همچنین در شناسایی اجمالی کتاب‌های نوشته شده در تخریح احادیث تفسیری، فقهی، اخلاقی و همچنین آشنایی اجمالی با طرق تخریح مفید است. بیشتر مطالب این کتاب از اصول التخریح محمود طحان گرفته شده است.

۱۰. علم تخریح الحدیث و بیان کتابها السنّة المشرفة

این اثر، از تألیفات دکتر یوسف مرعشلی^۳ است که در سال ۱۴۲۹ق توسط انتشارات دارالمعرفة در ۵۵۱ صفحه به چاپ رسیده است.

مؤلف، سبب تألیف کتاب خود را دوری مسلمین از قرآن و حدیث می‌داند. او می‌گوید: «وضع به گونه‌ای شده که وقتی آیه‌ای بر مسلمانی خوانده شود معنای آن را نمی‌داند تا چه رسد که بداند

۱. در سال ۱۹۵۱م در مصر متولد شد. تا کنون بیش از ۴۰ اثر در زمینه فقه و اصول از او به چاپ رسیده است. ر.ک: <http://ar.wikipedia.org>.

۲. ر.ک: اصول التخریح و دراسة الاسانید المیسره، ص ۳.

۳. از علمای معاصر در علم حدیث بوده که آثار متعددی در این زمینه دارد از جمله آثار او المعجم المفهرس لالفاظ الحدیث النبوی فی سنن الدار القطنی، علوم الحدیث الشریف و فهرس احادیث المستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری است. علم تخریح الحدیث و بیان کتابها السنّة المشرفة.

در کجای قرآن واقع شده و هنگامی که روایتی از پیامبر صلی الله و علیه و آله می‌شنود، مصدر آن را نمی‌داند چه رسد که درجه‌ی آن را از نظر صحت و ضعف بداند. به همین دلیل، احادیث کذب بسیاری به ایشان نسبت می‌دهند. همچنین خطبا و مؤلفان به احادیث ضعیف و ساختگی استناد می‌کنند، بدون آنکه صحیح را از سقیم تشخیص دهند و حال علما هم از عوام بهتر نیست تا جایی که در نقل حدیث به جامع الصغیر سیوطی (۹۱۱ق) و یا ریاض الصالحین نووی (۶۷۶ق) اکتفا می‌کنند.»

او ادعا دارد که در کتاب خود، اصول تخریج حدیث (مصادر و طرق) را بیان کرده، همچنین مصادر اولیه‌ی حدیث که در پنج قرن اول نوشته شده و در آن احادیث مسند جمع‌آوری شده را معرفی کرده است.

این کتاب مشتمل بر یک مقدمه، سه باب و خاتمه است. باب اول کتاب، در کیفیت تخریج - حدیث بوده که در سه فصل؛ قواعد کلی تخریج،^۱ طرق تخریج^۲ و کتابت تخریج و روش آن^۳ تنظیم شده است. باب دوم کتاب نیز شامل سه فصل است که فصل اول آن دارای سه مبحث^۴ و فصل دوم^۵ و سوم^۶ هر کدام یک مبحث دارند.

در خاتمه‌ی کتاب هم، پس از تعریف تخریج از نظر لغت و اصطلاح فقها و محدثین، به بیان اهمیت تخریج، تاریخچه و تطور آن می‌پردازد و در نهایت، تعدادی از کتاب‌های تخریج و برخی تألیفات در اصول و طرق تخریج را نام می‌برد.

در نتیجه، گرچه نام این کتاب، «علم تخریج الحدیث و بیان کتابها السنّة المشرفة» است ولی حدود سه چهارم حجم آن به مباحث کتاب‌شناسی اختصاص دارد. بنابراین، این کتاب در شناسایی انواع کتاب‌های حدیثی به محصلان کمک فراوانی می‌کند. همچنین در کیفیت تخریج

۱. ده قاعده‌ی کلی تخریج بیان کرده است.

۲. پنج طریق برای تخریج بیان کرده است. همچنین آمار خوبی از تعداد روایات هر یک از ابواب فقهی در هشت کتاب اصلی حدیث اهل سنت ارائه می‌دهد.

۳. این فصل شامل سه مبحث است. الف) انواع تخریج و روش آن ب) نمونه‌ای از تخریج ج) مشهورترین کتاب‌های کمک‌کننده در تخریج. در این مبحث نه کتاب را بطور تفصیل معرفی می‌کند.

۴. مبحث اول آن در کتاب‌های تألیف شده بر اساس ابواب است که در آن هشت کتاب معرفی شده است. مبحث دوم، کتاب‌هایی است که بر اساس روایان تألیف شده که به معرفی نه کتاب می‌پردازد.

۵. به معرفی دوازده کتاب علوم حدیثی که مشتمل بر روایات مسند است، می‌پردازد.

۶. هفت کتاب از علوم متنوع غیر از حدیث که مشتمل بر روایات مسند است، معرفی می‌شوند.

حدیث و شناخت مهم‌ترین کتاب‌های تطبیقی دانش تخریح، اطلاعات خوبی به مخاطب می‌دهد.

۱۱. تخریح الحدیث نشأته و منهجیته

مؤلف این کتاب، محمد ابواللیث الخیرآبادی^۱ است که در سال (۱۴۲۹ ه.ق) توسط انتشارات دارالفنایس اردن در ۳۶۴ صفحه به چاپ رسیده است.

مؤلف، در مقدمه‌ی کتاب، اهداف تخریح را این گونه بیان می‌کند.

۱. تعلیم روش رسیدن به حدیث در مصادر اصلی به راحت‌ترین و سریع‌ترین راه ممکن به دانش‌پژوهان.

۲. آشنا کردن آن‌ها به تعداد فراوانی از مصادر و روای حدیث و روش آن‌ها.

۳. آشنایی با اسباب و علل حدیث و روش فهم مراد حدیث.

۴. رشد علمی و فکری آن‌ها به گونه‌ای که از تناقض گویی در امان مانند.

۵. تجربه‌ی آن‌ها در تمرین حکم بر حدیث و آگاهی و التزام به آداب آن.

آنگاه می‌گوید: «ما برای رسیدن به این اهداف مباحث کتاب را در دو بخش تقسیم و تعدادی مباحث جدید را به آن اضافه کردیم.»

کتاب حاضر در دو باب تنظیم شده است. باب اول، تخریح الحدیث و طریقه نام گرفته که خود مشتمل بر پنج فصل مبادی علم تخریح،^۲ اهمیت علم تخریح حدیث و فوائد و نشأته،^۳ طرق تخریح حدیث،^۴ کیفیت تخریح از مجموع راه‌های شش‌گانه و تخریح حدیث به کمک کامپیوتر است و باب دوم آن، دراسة الاسانید و المتن و الحکم علی الحدیث نامگذاری شده که

۱. در سال ۱۹۵۳ م در خیرآباد هند متولد شد. هم‌اکنون استاد دانشگاه اسلامی کوالالامپور مالزی است. آثار متعددی در علوم حدیث از جمله تخریح و مصطلحات دارد. تخریح الحدیث نشأته و منهجیته، ص ۳۶۴.

۲. تعریف علم تخریح از جهت افراد و ترکیب، شروط مخرج و موضوع علم تخریح حدیث مورد بحث قرار گرفته است.

۳. اهمیت علم تخریح حدیث، فوائد دانش تخریح، منشا و تاریخچه‌ی علم تخریح و ظهور فنی و علمی تخریح، در این فصل بحث می‌شود.

۴. شش راه برای تخریح حدیث معرفی می‌کند که پس از بیان هر یک از آنها تعدادی از کتابهای که در آن روش کاربرد دارد را نام می‌برد.

شامل سه فصل ضوابط جرح و تعدیل،^۱ معرفی کتابهای رجال حدیث^۲ و حکم بر حدیث^۳ است. بنابراین می‌توان گفت، مؤلف به اهدافی که در مقدمه بیان کرده، دست یافته است. این کتاب را می‌توان جزو کتاب‌های طرق تخریج محسوب کرد. همچنین، اطلاعات خوبی در مورد شناخت کتابهای رجالی در آن موجود است. این کتاب اطلاعات خوبی در شناخت اهداف تخریج دارد که در ایجاد انگیزه برای مبتدئین در این فن مؤثر است.

۱۲. المدخل الی تخریج الاحادیث والآثار والحکم علیها

این کتاب از تألیفات ابی بکر عبدالصمد بن بکر بن ابراهیم آل عابد است. در سال (۱۴۳۱ هـ. ق) توسط انتشارات دارالطرفین در ۱۴۴ صفحه به چاپ رسیده است. مؤلف می‌نویسد: «از جمله نعمت‌هایی که خداوند به امت پیامبر اسلام صلی الله و علیه و آله عنایت کرده و خاص این امت بوده این که سنت پیامبر صلی الله و علیه و آله با اسنادی که به آن حضرت متصلند حفظ شده است و اگر این چنین نبود هر کس هر چه می‌خواست به آن حضرت نسبت می‌داد و دیگر کسی برای فراگیری دانش حدیث و شناخت روایان تلاش نمی‌کرد. پس، علم حدیث، دین است و بر انسان واجب است دقت کند که دین خود را از چه کسی فرا می‌گیرد.»^۴ ایشان در اهمیت دانش تخریج می‌گوید: «این دانش، خاص علم حدیث نیست بلکه در اکثر علوم اسلامی که به واسطه‌ی نقل و روایت انتشار می‌یابد، کاربرد دارد؛ اما باید توجه داشت که کلام نبی صلی الله و علیه و آله با کلام دیگران متفاوت است. پس باید بین تخریج حدیث نبوی و تخریج دیگر کلام‌ها فرق گذاشت.»^۵ مؤلف این کتاب، ابن حجر و زیلعی را از ائمه‌ی دانش تخریج معرفی می‌کند. ایشان مراحل تطور دانش تخریج را وابسته به مراحل تطور حدیث می‌داند. مؤلف هدف خود از نگارش این کتاب را آسان‌سازی مسیر برای وضع ضوابط و قوانین دانش تخریج می‌داند.

۱. تعریف جرح و تعدیل، شروط راوی، جرح و تعدیل‌هایی که قبول می‌شود، حال جرح در کتابهای جرح و تعدیل، تعارض جرح مفسر و تعدیل، الفاظ جرح و تعدیل و مراتب و احکام آن، بیان می‌شود.
۲. در این قسمت تعدادی از کتاب‌ها که به معرفی رجال یک کتاب خاص پرداخته و همچنین کتاب‌های عمومی رجال معرفی شده است.
۳. در این فصل احادیث را در دو عنوان احادیثی که ائمه‌ی حدیث بر آن حکم کرده‌اند و احادیثی که ائمه‌ی حدیث بر آن حکم نکرده‌اند بحث شده است. در فصل تخریج حدیث به کمک کامپیوتر، اطلاعات خوبی به دست می‌دهد که در کتابهای مشابه کمتر به آن اشاره شده است.
۴. ر.ک: المدخل الی تخریج الاحادیث والآثار والحکم علیها، ص ۵.
۵. ر.ک: المدخل الی تخریج الاحادیث والآثار والحکم علیها، ص ۶.

تخریج حدیث نیاز به آموزش علمی دارد که به کمک آن بتوان آسان‌ترین و پرفایده‌ترین راه را برای استخراج حدیث برگزید. پس باید طرق تخریج و روش بزرگان این علم در تخریج حدیث را آموخت.

او می‌گوید: «روش ما در این کتاب هم توصیفی است، هم تاریخی، همراه با مثال‌هایی که بتواند مراد را روشن کند. پس طرق تخریج را به طور اجمال همراه با مثال‌هایی از کتاب‌هایی که در هر طریق کاربرد دارد بیان می‌کنیم. همچنین به کیفیت استعانت و کمک گرفتن از شجره‌ی استاد و ضوابط حکم بر حدیث بعد از تخریج آن اشاره‌ای می‌شود.»

ترتیب مباحث کتاب: پس از بیان مقدمه‌ای که در آن به معنی تخریج، اهمیت، فواید و روش‌های تخریج پرداخته، مطالب کتاب را در هفت فصل تنظیم کرده که در هر کدام از پنج فصل اول، یکی از روش‌های تخریج را بیان کرده، در فصل ششم، به کیفیت تخریج به طور عام می‌پردازد و در فصل پایانی، ضوابط حکم بر حدیث پس از تخریج آن را بیان می‌کند. مؤلف در پایان کتاب نتیجه‌ی بحث را به طور خلاصه بیان می‌کند.

در پایان باید گفت مؤلف به گونه‌ای بسیار شایسته توانسته است مباحث را بیان کند و به مقصود خود که در مقدمه بیان کرده رسیده است. این کتاب، ترتیبی منظم دارد و باید آن را جزو کتاب‌های طرق تخریج شمارش کرد. اثر حاضر، در شناخت طرق تخریج نافع است. زیرا برای هر کدام از طرق تخریج نمونه‌های عملی خوبی بیان کرده است. همچنین در شناخت ضوابط حکم بر حدیث سودمند است.

در جمع‌بندی این فصل می‌توان گفت به دلیل این که غالب این کتاب‌ها به طرق تخریج پرداخته‌اند، بیشتر محتوای آن‌ها شبیه هم است تا جایی که شاید شبهه شود از یکدیگر کپی شده است. نکته‌ی دیگر این که برخی مؤلفان، مباحث دراسته‌الاسانید را جزو تخریج آورده‌اند به همین دلیل بخشی از کتاب خود را به این مطلب اختصاص داده‌اند.

نتیجه‌گیری

دانش تخریج، از شاخه‌های مهم علوم حدیث است. فقها، اصولیان و محدثان اهل سنت همگی به تخریج حدیث توجه و اهتمام داشته‌اند ولی هر کدام از آن‌ها معنای متفاوتی از تخریج ارائه کرده و نتوانسته‌اند به تعریفی جامع دست یابند. تاکنون آثار فراوانی در تخریج حدیث تألیف شده است. برخی از این کتاب‌ها به تخریج عملی حدیث پرداخته و تعدادی از آن‌ها درباره‌ی

مباحث نظری دانش تخریح بحث کرده‌اند. این دسته از کتاب‌ها، خود به دو دسته تقسیم می‌شوند. برخی از آن‌ها به اصول و طرق تخریح پرداخته و تعدادی دیگر، قواعد تخریح را تشریح کرده‌اند. ولی به طور کلی، همه‌ی کتاب‌ها، در قرن اخیر تألیف شده است. نکته‌ی قابل تأمل این‌که شاید حدود ۸۰ درصد مطالب این کتاب‌ها شبیه هم است. هرچند آثار موجود در مباحث نظری دانش تخریح، دارای نقاط قوت خوبی است ولی نقص‌هایی هم دارد که نیاز به بازنگری و تدوین طرحی جامع در این زمینه است. در کلان‌پروژه «تولید دانش تخریح شیعی» به این طرح هم توجه شده است.

كتاب نامه

١. قرآن كريم.
٢. إرشاد الأديب الى تخريج الحديث، الموصلي، محمد إبراهيم داوود، اول، بيروت، مؤسسة الزيان، ١٤١٦ هـ. ق / ١٩٩٥ م.
٣. أصول التخريج ودراسة الأسانيد، الطحان، محمود، دوم، بيروت، دار القرآن الكريم، ١٩٧٩ م.
٤. أصول التخريج ودراسة الأسانيد الميسرة، جمعة، عماد على، اول، رياض، ١٤٢٥ هـ. ق / ٢٠٠٤ م.
٥. التأصيل لأصول التخريج وقواعد الجرح والتعديل، بكر بن عبدالله، أبو زيد، اول، رياض، دار العاصمة، ١٤١٣ هـ. ق.
٦. تبسيط علم تخريج، الندوي، مصطفى سليمان، ١٤١٨ هـ. ق - ١٩٩٧ م، مصر، دار الكلمة.
٧. التخريج ودراسة الأسانيد، حاتم بن عارف الشريف، ملتقى أهل الحديث، بي. تا.
٨. التخريج عند الفقهاء والاصوليين، الباء حَسِين، يعقوب بن عبد الوهاب، رياض، مكتبة الرشد، ١٤١٤ هـ. ق.
٩. تخريج الحديث، نشأته و منهجيّته، الخيرأبادي، محمد ابوليث، اول، عمان، دارالنفائس، ١٤٢٩ هـ. ق - ٢٠٠٩ م.
١٠. تدريب الراوي في شرح تقريب النواوي، السيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر، تحقيق: عبد الوهاب عبد اللطيف، رياض، مكتبة الرياض الحديثة، بي. تا.
١١. التلخيص الحبير في تخريج أحاديث الرافعي الكبير، العسقلاني، أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر، اول، بيروت، دار الكتاب العلمية، ١٤١٩ هـ. ق / ١٩٨٩ م.
١٢. حصول التفريج بأصول التخريج أو كيف تصير محدثاً، الغماري، احمد بن محمد بن الصديق، اول، رياض، مكتبة طبرية، ١٤١٤ هـ. ق / ١٩٩٤ م.
١٣. الرسالة المستطرفة لبيان مشهور كتابها السنة المصنفة، الكتاني، محمد بن جعفر، تحقيق: محمد المنتصر محمد الزمزمي الكتاني، چهارم، بيروت، دار البشائر الإسلامية، ١٤٠٦ هـ. ق - ١٩٨٦ م.
١٤. الرواشح السماوية في شرح الاحاديث الامامية، ميرداماد، محمدباقر بن محمد، قم، ١٤٠٥ هـ. ق.

۱۵. طرق تخريج الحديث، آل حميد، سعيد بن عبدالله، اول، رياض، دار علوم السنة للنشر، ۱۴۲۰هـ.ق / ۲۰۰۰م.
۱۶. علم الحديث و دراية الحديث، مديرشانه چي، كاظم، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۳۶۲هـ.ش.
۱۷. علم تخريج الأحاديث أصوله - طرقه - مناهجه، بكار، محمد محمود أحمد، اول، قاهرة، دار السلام، بي.تا.
۱۸. علم تخريج الحديث و بيان كتب السنة المشرفة، مرعشلي، يوسف، اول، بيروت، دارالمعرفة، ۱۴۲۹هـ.ق - ۲۰۰۸م.
۱۹. فتح المغيب شرح ألفية الحديث، السخاوي، شمس الدين محمد بن عبدالرحمن، اول، بيروت، دارالكتابه العلمية، ۱۴۰۳هـ.ق.
۲۰. كيف ندرس علم التخرير الحديث، المليباري، حمزة عبدالله و العكايلة، سلطان، اول، اردن، دار الرازي، ۱۴۱۹هـ.ق / ۱۹۹۸م.
۲۱. كتاب العين، فراهيدى، خليل بن احمد، دوم، قم، هجرت، ۱۴۰۹هـ.ق.
۲۲. لسان العرب، ابن منظور، محمد بن مكرم، تحقيق: جمال الدين مير دامادى، سوم، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۴هـ.ق.
۲۳. المدخل إلى تخريج الأحاديث و الآثار و الحكم عليها، ابى بكر عبد الصمد بن بكر بن إبراهيم آل عابد، دوم، دار الطرقيين، مدينه منوره، ۱۴۳۱هـ.ق.
۲۴. معجم مقائيس اللغة، ابن فارس، ابى الحسين احمد بن فارس بن زكريا، بيروت، اول، داراحياء التراث العربي، ۱۴۲۲هـ.ق.
۲۵. معرفة علوم الحديث، الحاكم النيسابوري، أبو عبد الله محمد بن عبد الله، تحقيق: نورالدين عتر، حلب، المكتبة العلمية، بي.تا.
۲۶. المفصل فى أصول التخرير و دراسة الأسانيد، على بن نايف الشّحود، بي.جا، بي.تا.
۲۷. الواضح فى فنّ التخرير و دراسة الأسانيد، سلطان سند العكايلة و آخرون، عمان، جمعية الحديث الشريف و إحياء التراث، ۲۰۰۴م.
۲۸. وب سايت: <http://ar.wikipedia.org>.
۲۹. وب سايت: <http://shamela.ws>.
۳۰. وب سايت: www.ahlalhdeth.com.

ملخص الأبحاث و المقالات باللغة العربية

نقله الى العربية: سيد جعفر حكيم

الأسس الحاكمة على سيرة النبي ﷺ في الأسرة

حجة الله بييات^١

محمد باقرى زادة الأشعري^٢

المخلص

إن سيرة النبي ﷺ في مجالات الحياة المختلفة بما فيها مجال الأسرة و الروابط الأسرية الحاكمة فيها تعدّ قدوة للجميع. حاولنا في البحث الحاضر أن نختار أهم النصوص الواردة في حياة النبي الأسرية و نستخرج منها الأسس الحاكمة في حياته ﷺ مع أعضاء أسرته؛ و انتهينا الى بعض الأصول الهامة نظير: «الاهتمام بالأسرة»، «الاهتمام بالمعنويات»، «الأخلاق»، «رعاية الأدب»، «الحكمة»، «الفكر الجمعي»، «المساهمة و التعاطف».

و نتيجة هذا البحث هي تهيئة الأرضية المناسبة للاقتداء بالنبي ﷺ في الحياة الأسرية و ذلك من خلال تكريس الأسس المذكورة في روابط أعضاء الأسرة. إذ لا ريب أن العمل بها سيؤدي الى قوة كيان الأسرة و الحيلولة دون عروض المشاكل المختلفة التي تهدده.

الألفاظ المحورية: سيرة النبي، سيرة النبي ﷺ، الأسرة.

١. عضو الهيئة العلمية في جامعة القرآن و الحديث.

٢. ماجستير في العلاقات - فرع الحج و الزيارة.

استخدام أسلوب السؤال و الجواب لبيان العقائد في القرآن و الحديث

الدكتور رضا برنجكار^١

على عباس آبادي^٢

المخلص

إن بيان العقائد في النصوص الاسلامية تابع لأسس معينة و يعتمد علي أساليب عديدة و أحد هذه الأساليب و التي استخدمت في القرآن و الحديث بكثرة نسبياً هي أسلوب السؤال و الجواب؛ و يحظى هذا الأسلوب بتأثير بالغ بسبب إثارته لذهن المخاطب و تحريكه للتعرف على الإجابة .

و الافادة من هذا الاسلوب له أنحاء عديدة ، منها: الإجابة على الأسئلة الصريحة للمخاطب و الإجابة على الأسئلة المقدرة للمخاطب و إثارة التساؤل في ذهن المخاطب و طرح الأسئلة الإنكارية و تغيير و توجيه أسئلة المخاطب. الألفاظ المحورية: المنهجية، أسلوب البيان، العقائد، السؤال و الجواب.

دور الروايات التفسيرية في حل اختلاف المفسرين

(نطاق البحث: ظواهر آيات سورة المدثر)

انسية نجفی فرید^٣

المخلص

وردت سورة « المدثر » في الجزء التاسع و العشرين من القرآن الكريم و هي من السور المكية وفقاً لرأي أغلب المفسرين و من أوائل السور النازلة على النبي الأعظم ﷺ و المحور الذي يدور عليه موضوعها هو « الإنذار » و « لوم الكفار ».

المقال الحاضر مسخلص من أطروحة «التفسير الروائي لسورتي المدثر و القيامة وفق روايات أهل البيت (عليه السلام)» و بعد التتبع الواسع لآراء المفسرين فيما يتعلق بتفسير آيات هذه

١. بروفيسور في جامعة طهران.

٢. ماجستير في علوم حديث (فرع الكلام و العقائد) / جامعة القرآن و الحديث.

٣. ماجستير علوم الحديث، فرع التفسير المأثور.

السورة توصلنا للنتيجة التالية و هي اختلاف وجهات نظر المفسرين في الكثير من الآيات و الفرضية التي يعتمد عليها هذا البحث هي أنه بالإمكان حل الخلافات المذكورة من خلال الرجوع للروايات التفسيرية المأثورة عن النبي ﷺ و أهل بيته عليه السلام - لاتصالهم بالوحي - و ترجيح بعض الآراء على بعض، أو رد بعض الآراء، أو الجمع بينها بلحاظ منطوق الروايات، أو التوصل لمفهوم أو ثقت من نص الرواية و غير ما نص عليه المفسرون. المقال الحاضر يتناول دراسة ظواهر آيات سورة المدثر و التي اختلفت آراء المفسرين فيها كما وردت روايات عن المعصومين في كتبنا الحديثية و التفسيرية؛ و الهدف الأصلي لهذا البحث هو بيان دور الروايات التفسيرية المأثورة عن المعصومين عليه السلام في حل الخلاف الموجود بين المفسرين في تفسير بعض الآيات. الألفاظ المحورية: سورة المدثر، اختلاف المفسرين، الروايات التفسيرية المأثورة عن المعصومين عليه السلام.

عوامل نجاح نهج البلاغة في استقطاب اهل السنة

محدثة رشيدى باجگان^١

المخلص

منذ حياة أمير المؤمنين عليه السلام و حتى اليوم تأثر الكثير من أصحاب المذاهب المختلفة بشخصية أمير المؤمنين و كلامه و استشهدوا في مؤلفاتهم بكلماته عليه السلام، بل ألف بعضهم كتباً تضم كلماته عليه السلام.

و قد ألف علماء الفريقين قبل كتاب نهج البلاغة و بعده كتباً تضم كلمات أمير المؤمنين عليه السلام، إلا أن نهج البلاغة قد حظي بإقبال لم يحظ به كتاب آخر بين الشيعة و السنة. المقال الحاضر يحاول تسليط الأضواء على علل ذلك؛ و من جملة مزايا كتاب نهج البلاغة بين كتب الحديث و التي جعلته متميزاً فيما بينها و أدت الى استقطابه لعلماء السنة أيضاً هي أن السيد الرضي اقتطف الكلمات البليغة من بين كلمات أمير المؤمنين عليه السلام النورانية، مضافاً لترتيبه و تنوع مواضيعه و ما حظي به مؤلفه السيد الرضي

١. ماجستير من كلية القرآن و الحديث، فرديس طهران.

من منزلة بين علماء المسلمين حيث إن له منزلة عند علماء أهل السنة أيضاً. من جانب آخر فإن تأليف نهج البلاغة ونشره في المقطع التاريخي الذي كان فيه التعامل بين علماء الشيعة و السنة، كان له دور بالغ في انتشاره بين أهل السنة .
الألفاظ المحورية: نهج البلاغة، أهل السنة، البلاغة، السيد الرضي.

مقومات الاصلاح التعليمي للإمام علي عليه السلام بالاعتماد على نهج البلاغة

سمية عابدي^١

السيد هادي السيد وكيلي^٢

المخلص

تولى الإمام علي عليه السلام قيادة الأمة في الوقت الذي حرّف الأمراء السابقون عليه التعاليم الدينية و لهذا تولى عليه السلام إصلاح أمور الأمة ؛ و من هذه الانحرافات غياب قيمة التعقل و التعلّم، فالاصلاحات التعليمية تعالج بعض مجالات ثقافة الأمة و ذلك من خلال التعليم و التثقيف و خارجاً عن نطاق السياسة و الاقتصاد و العلاقات الاجتماعية و الفضائل الاخلاقية؛ و هدف أمير المؤمنين عليه السلام من هذه الاصلاحات هو تربية المجتمع بنحو بحيث يستخدم العقل و الفكر في جميع الأمور و عدم الإقدام على شيء إلا بعد العلم به؛ و أسلوبه في هذا المجال هو إيجاد الحافز و الداعي أولاً، ثم تقديم الرؤية الصحيحة للمجتمع ليستمدوا من الوحي و العقل و الفطرة و المصادر و المعايير الأخرى في التعرف على التعاليم الصحيحة و تمييزها عن غيرها؛ و إن العمل بالعلم و الوصول لمرتبة التقوى - والذي هو ثمرة للسير في مسار العبودية - هما من أهداف أمير المؤمنين عليه السلام في الاصلاحات التعليمية .

البحث الحاضر و من خلال نظرة تاريخية تحليلية يشير للانحرافات الفكرية و الأمور

١. ماجستير في نهج البلاغة، جامعة القرآن و الحديث / قم.

٢. عضو الهيئة العلمية في جامعة القرآن و الحديث.

المغايرة للتعلم في ذلك العصر، ثم يبين التعاليم العلوية في إصلاحها؛ وإن التعليم في نهج البلاغة لا ينتهي عند حد معين وإنما يسوق الانسان لتعلم جميع المعارف و العلوم التي تحدد بالانسان نحو العبودية .

الألفاظ المحورية: الامام علي عليه السلام، نهج البلاغة، التعليم، الاصلاحات التعليمية، العقل.

معنى التخريج و المعرفة التحليلية للمصادر النظرية لعلم التخريج عند أهل السنة

عباس المحمودي^١

شير محمد علي بور عبدلي^٢

المخلص

التخريج، يعني استخراج المتون، والمواضيع و المضامين و الطرق العديدة للحديث من مصادرها؛ و كان هذا الفن من أقسام قواعد الحديث أو دراية الحديث، إلا أنه صار بعد ذلك مستقلاً؛ و من آثاره معرفة نقاط ضعف الأحاديث و التعرف على مدى حجيتها؛ و قد خطأ أهل السنة خطوات في مجال تأطير هذا العلم بأطر علمية و تطبيقه عملياً، فمن الضروري تعرف الشيعة عليها ليؤسسوا علم التخريج أيضاً؛ و إن أحد النطاقات التي تركزت فيها مساعي أهل السنة في هذا المجال هي تأليف المصادر النظرية العديدة لعلم التخريج و لذلك فإن من الضروري القيام ببحث شامل للتعرف على هذه المصادر.

البحث الحاضر يهدف تبين معنى التخريج و التعريف بأهم الكتب المؤلفة في الأبحاث النظرية لهذا العلم و ذلك ليبين منزلة هذا العلم، مضافاً لإيضاحه لبعض الخطوط العامة للبحث من أجل القيام بالبحث في المدرسة الشيعية؛ و قد تناول القسم الأول من المقال دراسة حول مفردة التخريج، بينما تناول القسم الثاني و لأول مرة دراسة نص و مقدمة الكتب و عرف بها تعريفاً شاملاً، تحليلياً و مقارناً بين أهم المصادر النظرية للتخريج.

١. ماجستير في علوم الحديث و باحث في المركز التخصصي بعلوم الحديث في الحوزة العلمية بقم.

٢. عضو الهيئة العلمية في جامعة لرستان.

الألفاظ المحورية: كتب التخريج، قواعد و اصول التخريج، التعرف على نقاط ضعف الحديث، تقييم الحديث، علوم الحديث.

دراسة مسألة الموت و العالم التالي له في الآراء الكلامية للشيخين الصدوق و المفيد

(بالتأكيد على كتابي الاعتقادات و تصحيح اعتقادات الإمامية)

سميه خليلي آشتياني^١

المخلص

لما انتهى عصر حضور المعصومين عليهم السلام و بدأ عصر الغيبة لإمام زماننا عليه السلام كان التراث الحديثي لأئمتنا الى جانب القرآن الكريم بمنزلة سفينة نجاة للشيعة في أمواج الفتن المتلاطمة و التي بلغت ذروتها في القرنين الثالث و الرابع؛ و جاءت المساعي الحميدة لعلماء الدين في هذا العصر - و خاصة الشيخ الصدوق - لتبين الآراء العقيدية و الكلامية للشيعة حيث أُلّف كتاب الاعتقادات، معتمداً على الآيات الكريمة و الروايات الشريفة و أعقبه الشيخ المفيد عليه السلام حيث أعاد النظر في الكتاب و سماه تصحيح الاعتقاد، فأضاف له الاستدلال و الاستنباط العقلي بعد أن كان استدلاله نقلياً بحتاً؛ و قد تناول في أربعة عشر باباً من هذا الكتاب مسألة الموت و ما بعده و قد اختلف مع الشيخ الصدوق في بعض المسائل نظير تقسيم اهل الجنة، و وافقه في الكثير من المسائل، كما أنه بسط ما ذكره الصدوق في مسائل نظير مساءلة الميت في قبره؛ و قد صرح كلا هذين العالمين الجليلين بالبرزخ و عقداً باباً لهذا الموضوع.

الألفاظ المحورية: الشيخ الصدوق، الشيخ المفيد، تصحيح اعتقادات الإمامية، الموت، المعاد.

الإمام
الشيخ

نیم سال نامه علمی ترویجی - شماره هفدهم - بهار و تابستان ۱۳۹۳

١. طالبة دكتوراه في علوم القرآن و الحديث - الجامعة الإسلامية الحرة / فرع طهران المركزي.